

گفتار چهارم

روش‌های قرآن در بیان جایگاه و اهمیت پدر و مادر

در دین مبین اسلام، پدر و مادر از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. این جایگاه و اهمیت، وقتی روشن می‌شود که یک مطالعه دقیق در آیات کریمه، پیرامون والدین صورت گیرد. به عنوان مثال: اگر توجه به آیه ۱۲ سوره لقمان شود، روشن می‌شود که پدر و مادر از چه مقام و اهمیتی برخوردار هستند. که بلافاصله بعد

از سپاس خداوند متعال، سپاس و تقدیر از پدر و مادر ذکر شده است. ﴿أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾

در این گفتار به روش‌های بیان اهمیت و جایگاه پدر و مادر با محوریت آیات کریمه و روایات

معصومین علیهم‌السلام می‌پردازیم.

ناگفته نماند که باید توجه کرد که شاید یکی از علل بی توجهی بعضی از فرزندان نسل کنونی نسبت به پدر و مادر، عدم اطلاع و شناخت دقیق از کرامت و مقام ویژه والدین از نظر اسلام می‌باشد. چه آن که اگر انسان نسبت به اهمیت چیزی آگاه باشد، خواه ناخواه در برابر او تعظیم و تکریم می‌کند. در مورد والدین هم اگر از دین مبین اسلام آگاه شوند، ناخودآگاه در برابر این فضیلت مهم، سر تعظیم فرود خواهند آورد.

روش‌های قرآن در بیان جایگاه پدر و مادر

۱. امر به احسان و نیکی نسبت به والدین

اولین روش بازگو کردن مقام والدین، امر به احسان و نیکی نسبت به والدین می‌باشد که در آیات متعددی

ذکر شده است. آیه ۳۳ اسراء، ۱۵۱ انعام، ۳۶ نساء، ۸۳ بقره، ۸ عنکبوت، ۱۵ احقاف

در سوره اسراء می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾؛ پروردگارت فرمان

داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

۱. لقمان، آیه ۱۴.

۲. اسراء، آیه ۲۳.

در این آیه چند تأکید وجود دارد: ۱. اقتضاء، مفهوم مؤکد تری از (امر) دارد و امر و فرمان قطعی و محکم را می‌رساند و این نخستین تأکید است.

۲. قرار دادن توحید یعنی اساسی‌ترین اصل اسلامی در کنار نیکی به پدر و مادر تأکید دیگری است بر اهمیت این دستور اسلامی.

۳ و ۴. مطلق بودن «احساس» که هر گونه نیکی را در بر می‌گیرد و هم چنین «والدین» که مسلمان و کافر را شامل می‌شود.

۵. نکره بودن احسان «احسانا» که در این گونه موارد برای بیان عظمت می‌آید.^۱ در چهار سوره از قرآن مجید نیکی به والدین، بلافاصله بعد از مسأله توحید قرار گرفته، این هم ردیف بودن دو مسأله بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است.^۲

در سوره بقره می‌خوانیم: ﴿لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۳

در سوره انعام می‌خوانیم: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ

إِحْسَانًا﴾^۴

در سوره اسراء می‌خوانیم: ﴿وَقَضَىٰ رَبِّيَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۵

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: و بالوالدین احسانا، عطف است بر جمله قبلی و معنایش چنین است که پروردگارت چنین قلم رانده که: تحسنا بالوالدین احسانا و احسان در مقابل بدی و آزار است. معلوم می‌شود مسئله احسان به پدر و مادر بعد از مسأله توحید خدا، واجب‌ترین واجبات است، همچنان که مسئله عقوق بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و به همین جهت از این مسئله بعد از مسئله توحید و قبل از سایر احکام اسم برده و این نه تنها در این آیات می‌باشد، بلکه در موارد متعددی از کلام خود همین ترتیب را به کار بسته است.^۶

۱. تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۲، صص ۷۳ و ۷۴.

۲. همان، ص ۷۸.

۳. بقره، آیه ۸۳.

۴. انعام، آیه ۱۵۱.

۵. اسراء، آیه ۲۳.

۶. تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ج ۱۳، ص ۱۳۵.

گفتار علامه محمد جواد مغنیه در ذیل آیه ۸۳ بقره:

خداوند سپاس از پدر و مادر را با سپاس خود توأم ساخته و نیکی و احسان به این دو را همانند عبادت خود واجب قرار داده است. از این رو فقها اجماع کرده اند که عاق والدین از بزرگترین گناهان کبیره است و کسی که عاق والدین باشد فاسق است و شهادت او پذیرفته نمی‌شود. و در حدیث شریف آمده است: عاق والدین بوی بهشت را نمی‌یابد.

مراد از احسان به والدین، فرمان برداری از آن‌ها و مدارا با آنها هم در سخن و هم در عمل است.^۱

داستان:

می‌گویند: زنی پدرش را در حالی که بر پشت خود حمل می‌کرد از یمن به مکه آورد و او را پیرامون خانه خدا طواف داد. فردی نزد وی آمد و گفت: خدا تو را پاداش نیک دهد که به راستی حق پدیرت را ادا کردی. او گفت: چنین نیست. من درباره او انصاف را رعایت نکردم، زیرا وقتی او مرا بر پشت خود حمل می‌کرد، دوست داشت که من زنده بمانم و اکنون که من او را بر پشتم حمل می‌کنم، مرگ او را دوست دارم.^۲

رفیق حضرت موسی علیه السلام

تاریخ نقل می‌کند که موسی بن عمران یک بار هنگام مناجات با خداوند از پروردگارش خواست که رفیق و همنشین او را در بهشت به وی بشناساند. خطاب آمد: جوانی است در فلان ناحیه؛ او همنشین تو در بهشت برین است. موسی علیه السلام به سراغ او رفت. دید جوانی است قصاب. از دور مراقب بود تا ببیند چه عمل فوق العاده و کار پر ارزشی از او سر می‌زند که نزد خداوند چنین منزلتی یافته است. زمانی که جوان محل کار خود را ترک کرد و رهسپار خانه می‌شد موسی علیه السلام بدون آنکه خود را معرفی کند نزد وی آمد و از او خواست تا آن شب را مهمان آن جوان باشد. جوان پیشنهاد موسی را پذیرفت و او را با خود به خانه برد. موسی علیه السلام دید هنگامی که جوان وارد خانه شد، قبل از هر چیز غذایی آماده ساخت و آنگاه به سراغ پیرزنی که دست و پایش فلج شده و از کار افتاده بود. رفت و با صبر و حوصله غذا در دهان آن پیرزن گذارد تا او را سیر کرد. سپس لباس او را عوض کرد و او را در جای مخصوصی قرار داد. هنگام خداحافظی موسی از جوان پرسید: این پیرزن که بود؟ زمانی که تو به او غذا می‌دادی، چشم به آسمان می‌دوخت و کلماتی را بر زبان می‌راند، آن کلمات چه بود؟ جوان گفت: این پیرزن مادر من است و آن کلمات چنین بود: خدایا! به پاداش این خدماتی که فرزندم نسبت به من

۱. تفسیر کاشف، علامه محمد جواد مغنیه، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲. همان، ص ۲۸۱، ص ۱.

انجام می‌دهد، او را همنشین و رفیق موسی بن عمران در بهشت گردان. هنگامی که موسی علیه السلام این جریان را شنید، تکان خورد و به جوان مژده داد که دعای مادرت درباره تو مستجاب گردید.^۱

معنای احسان در روایات

۱. عن ابی ولاد الحنات قال: سالت ابا عبد الله علیه السلام عن قول الله عز و جل ﴿و بالوالدین احسانا﴾ «ما هذا الاحسان؟ فقال: الاحسان ان تحسن صحبتهم و ان لا تکلفها ان یسالاک شیئا مما یحتاجان الیه و ان کاتا مستغنین. الیس یقول الله عز و جل ﴿لن تنالوا البرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾؛ ابو ولاد حنات گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم خدای عز و جل که فرماید «و به پدر و مادر احسان کنید»، این احسان چیست؟ فرمود: احسان این است که با آنها نیکو معاشرت کنی و آنها را مجبور نکنی که چیزی را که احتیاج دارند از تو بخواهند، اگر چه بی نیاز باشند (بلکه باید اظهار نکرده وظیفه خود را انجام دهی) مگر خدای عز و جل نمی‌فرماید: هرگز به نیکی نرسیده، مگر از آن چه دوست دارید انفاق کنی.

۲. عن السی‌کون، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «من السنه و البر ان یکنی الرجل باسم ابيه؛^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: از سنت و احسان به پدر این است که: مرد به اسم پدرش کنیه گیرد (یعنی اگر نام پدرش محمد بود به پسرش ابو محمد یا نام محمد دهد و یا برای خود ابن محمد کنیه گیرد و خود را به نام پدر معرفی کند؛ چنان که امیر المؤمنین علیه السلام خود را ابن ابیطالب معرفی می‌فرمود).

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی از شما را چه مانع شود که به پدر و مادرش نیکی کند، زنده باشند یا مرده. باید که از جانب آنها نماز بخواند و صدقه بدهد و حج گذارد و روزه بگیرد، تا آنچه کرده ثوابش برای آنها باشد و مانند آن ثواب هم برای خود او. خدای عز و جل به وسیله احسان، و صله او خیر فراوانی برایش ایجاد کند.^۴

۱. رمضان ماه خدا، زین العابدین احمدی ت حسنعلی احمدی، ص ۶۱ و ۲.

۲. آل عمران، آیه ۹۲.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۶.

۴. همان، ص ۲۲۲.

۴. عن ابی عبد الله عليه السلام قال: «جاء رجل الى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله من ابر؟ قال امك، قال: ثم من؟ قال امك، قال: ثم من؟ قال امك، قال: ثم من؟ قال اباك؛ امام صادق عليه السلام فرمود: مردی خدمت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله آمد و عرض کرد: به که احسان کنم؟ فرمود: به مادرت. گفت سپس به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد سپس به که؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد سپس به که؟ فرمود: به پدرت»^۱.

۲. نقل رفتار پیامبران الهی در برخورد با پدر و مادر است.

الف: حضرت عیسی عليه السلام و رفتار او با مادرش حضرت مریم عليها السلام

حضرت عیسی عليه السلام که از پیامبران اول‌العزم و بشارت دهنده پیامبری خاتم الانبیاء صلى الله عليه وآله می‌باشد، وقتی در گهواره سخن می‌گوید یکی از خصوصیات خویش را اینگونه بیان می‌کند: «وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا»^۲؛ و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است».

ب: حضرت یحیی و رفتار او با پدر و مادر

«وَبِرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا»^۳؛ او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و جبار (مستکبر) و عصیانگر نبود».

ج: حضرت ابراهیم و رفتار او با پدر و مادر

حضرت ابراهیم در حق پدر و مادر خویش دعا می‌کند که: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»^۴؛ پروردگارا من و پدرم و همه مؤمنان را روزی که حساب بر پا می‌شود ببامرز».

۱. همان، ص ۲۳۳.

۲. مریم، آیه ۳۲.

۳. مریم، آیه ۱۴.

۴. ابراهیم، آیه ۴۱.

د. حضرت نوح و رفتارش با پدر و مادر

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا﴾؛ پروردگارا ببخش مرا و والدینم را و هر کسی که داخل خانه من می‌شود و مؤمن است.

۳. امر به طلب رحمت برای والدین.

سومین روش قرآن در بیان جایگاه پدر و مادر. امر به طلب رحمت برای ایشان است. ﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾؛ و بگو پروردگارا، همان طور که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.».

طلب رحمت برای والدین در روایات

الف: عن معمر بن خداد، قال: «قلت لابی الحسن الرضا عليه السلام ادعوا لوالدی اذا كانا لا يعرفان الحق؟ قال: ادع لهما و تصدق عنهما. و ان كانا حیین لا يعرفان الحق فدارهما فان رسول الله صلى الله عليه و آله قال: ان الله بعثنی بالرحمه لا بالعقوق؛ معمر بن خداد گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم آیا هر گاه پدر و مادرم مذهب حق را نشناسند، دعایشان کنم؟ فرمود: برای آنها دعا کن و از جانب آنها صدقه بده و اگر زنده باشند و مذهب حق را نشناسند با آنها مدارا کن، زیرا رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خدا مرا به رحمت فرستاد نه به بی مهری و نافرمانی.».

ب: عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر عليه السلام قال: «ان العبد لیكون بارا بوالديه فی حیاتهم ثم یموتان فلا یقضی عنهما دیونهما و لا یستغفر لهما فیكتبه الله عاقا، و انه لیكون عاقا لهما فی حیاتهم غیر بار بهما فاذا ماتا قضی دینهما و استغفر لهما فیكتبها الله عز و جل بارا؛ امام باقر عليه السلام فرمود: همانا بنده ای نسبت به پدر و مادر خویش در زمان حیاتشان نیکوکار است، سپس آنها می‌میرند و او بدهی آنها را نمی‌پردازد و برای آنها آمرزش نمی‌خواهد، لذا خدا او را عاق و نافرمان می‌نویسد. و بنده دیگر در زمان حیات پدر و مادر خود

۱. نحل، آیه ۱۹.

۲. اسراء، آیه ۲۴.

۳. اصول کافی، کلینی (ره)، ج ۳، ص ۲۳۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۲۳۸.

عاق آنها است و نسبت به آنها نیکی نمی‌کند، ولی چون مردند بدهی آنها را می‌پردازد و برای آنها آمرزش می‌خواهد و خدای عز و جل او را نیکوکار می‌نویسد.

۴. دستور به بذل و بخشش نسبت به پدر و مادر

چهارمین روش قرآن این است که مسلمانان از هر گونه بذل و بخشش نسبت به پدر و مادر خود دریغ نمایند. در سوره بقره آیه ۱۸۰ می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»؛ بر شما نوشته شده هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی از خود به جای گذارده اید آن را برای پدر و مادر و نزدیکان خود به طور شایسته وصیت کنید. این حقی است برای پرهیزگاران».

و در آیه ۲۱۵ همان سوره باز می‌فرماید: «سَأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ از تو سؤال می‌کنند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو هر خیر و نیکی (سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان، یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باید باشد و هر کار خیری که می‌کنید خداوند از آن آگاه است».

تقدم والدین بر دیگران نشان از اهمیت و جایگاه آنها دارد، چرا که قبل از هر کس پدر و مادر سزاوار به مال فرزند می‌باشند.

۵. تواضع در برابر پدر و مادر

قرآن یکی از روش‌های تبیین جایگاه پدر و مادر را تواضع در برابر پدر و مادر ذکر می‌کند و می‌فرماید: «وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ»؛ بال‌های تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر؛ کلمه خفض جناح (پر و بال گستراندن) کنایه است از مبالغه در تواضع و خضوع زبانی و عملی و از این جمله این به ذهن می‌آید که جوجه پر و بال خود را باز می‌کند تا مهر و محبت مادر را تحریک کند و به فراهم ساختن غذا وادار سازد و بر همین اساس کلمه جناح، مقید به ذلت شده است و می‌فرماید: (جناح الذل) و معنای

آیه این است که در معاشرت و گفتگوی با پدر و مادر طوری با ایشان روبرو شو که تواضع و خضوع تو را احساس کنند و بفهمند که تو خود را در برابر ایشان خوار می‌داری و نسبت به ایشان مهر و رحمت دارید.^۱

تفسیر آیه از زبان امام صادق علیه السلام

در ذیل آیه «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ»؛ حضرت می‌فرماید: دیدگانت را به آنها (پدر و مادرت) خیره مکن، بلکه با مهربانی و دلسوزی به آنها بنگر و صداقت را از صدای آنها بلندتر مکن و دستت را بالای دست آنها مگیر و بر آنها پیشی مگیر.

عن ابی الحسن الموسی علیه السلام قال: «سال رجل رسول الله صلی الله علیه و آله ما حق الوالد علی ولده؟ قال: لا یسمیه باسمه و لا یشمی بین یدیه و لا یجلس قبله و لا یسب له؛ موسی به جعفر فرمود: مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: حق پسر بر پدرش چیست؟ فرمود: او را به نامش نخواند و جلویش راه نرود و پیش از او ننشیند و باعث دشنام او نشود یعنی کاری نکند که مردم پدرش را دشنام دهند».

و همچنین علی علیه السلام می‌فرماید: «قم عن مجلسک لأبیک و معلمک و ان کنت امیراً؛ به احترام پدر و معلمت از جای برخیز، گرچه فرمانروا باشی».^۲

و در روایتی از زهرای مرضیه علیها السلام می‌خوانیم: الزم رجلها، فان الجنة تحت اقدامها؛ در خدمت مادر باش، زیرا بهشت زیر پای مادران است.

۶- مؤدبانانه سخن گفتن با پدر و مادر

در سوره اسراء می‌فرماید: «إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^۳؛ هر گاه یکی از آنها یا هر دو آنها نزد تو، به سن پیری برسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار، و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو.

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۳، ص ۱۳۷.

۲. فرهنگ موضوعی مبلغان، ص ۱۱۳، علی شیرازی، محمدی عابدی (به نقل از غرر الحکم).

۳. اسراء، آیه ۲۳.

ذکر دوران پیری به خاطر آن است که غالب افراد وقتی به سن پیری می‌رسند، کم حوصله و کم صبر می‌شوند و ممکن است به تنهایی نتوانند از جا برخیزند و یا حتی قادر به دفع آلودگی از خود نباشند، بدین خاطر به فرزندان دستور داده شده که مبدا پیری پدر و مادر، سبب بی‌احترامی آن‌ها شود؛ بلکه در مقابل هر عجز و ناتوانی آنان، فرزند باید با آن‌ها با احترام برخورد کند و مؤدبانه سخن بگوید.

بعضی از مفسرین می‌گویند: منظور از «قول کریم» در این آیه، همان سخن مؤدبانه است. تواضع و ادب در همه جا، در رفتار و گفتار، مطلوب است. پس گفتار انسان، به ویژه با کسانی که حقی بر انسان دارند و به-خصوص با پدر و مادر، باید متواضعانه باشد، زیرا مصالح اجتماعی و حقوق افراد و اعضای جامعه، از این راه بهتر تأمین می‌شود. ادب و تواضع در گفتار، دل‌ها را به هم نزدیک و گوینده را از غرور و خودخواهی و تکبر، دور می‌سازد.^۱

امام صادق علیه السلام در مورد آیه ۲۳ اسراء می‌فرماید: یعنی اگر دل‌تنگی کردند به آن‌ها اف مگو و اگر تو را زدند، به آن‌ها تند می‌کن. و با آن‌ها سخنی شریف و بزرگوار بگو؛ یعنی، اگر تو را زدند بگو خدا شما را بیامرزد.^۲

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: لو علم الله شیئا هو ادنی من اف لئهی عنه. و هو من ادنی العقوق و من العقوق ان ينظر الرجل الی والدیه فیحد النظر الیهما؛ اگر چیزی کمتر از «اف» وجود داشت، خدا از آن نهی می‌کرد. در اف کمترین اظهار ناراحتی است، و این حداقل مخالفت و بی‌احترامی نسبت به پدر و مادر است، و از آن جمله نظر تند و غضب آلود به پدر و مادر کردن می‌باشد.^۳

کلمه «اف» مانند کلمه «آخ» در فارسی انزجار را افاده می‌کند. و کلمه (نهر) به معنای رنجاندن است که یا با داد زدن به روی کسی انجام می‌گیرد و یا درشت حرف زدن. اگر حکم را اختصاص به دوران پیری پدر و مادر داده، از این جهت بوده که پدر و مادر، در آن دوران سخت‌ترین حالات را دارند، و بیشتر احساس احتیاج به کمک فرزند می‌نمایند، زیرا از بسیاری از واجبات زندگی ناتوانند. پس آیه شریفه نمی‌خواهد حکم را منحصر در دوران پیری پدر و مادر کند، بلکه می‌خواهد وجوب احترام پدر و مادر و رعایت تام در معاشرت و سخن گفتن با ایشان را بفهماند، حال چه در هنگام احتیاجشان به مساعدت فرزند و چه در حال دیگر.^۴

۱. اخلاق در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۰.

۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۲، ص ۷۹.

۴. ترجمه المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۳، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۷- سپاسگزاری و قدردانی از پدر و مادر

همانطور که بشر حس کنجکاو، حس مذهبی، حس نیکی، حس زیبایی دارد، حس سپاسگزاری هم دارد. اگر شخصی گره ای از کار شخصی بگشاید، خصوصاً اگر گره کارش سخت و محکم باشد، تا حیات دارد از شخص گره گشا قدردانی و تشکر می‌کند. پس از خداوند، بزرگترین خدمتی را که بشری درباره بشری انجام می‌دهد، خدمات ارزنده پدر و فداکاری‌های مادر است.^۱ به همین مناسبت قرآن مجید پس از مسأله شکرگزاری خدا، موضع نیکی به پدر و مادر و شکرگزاری و قدردانی از آن‌ها را مطرح فرموده و می‌فرماید: ﴿أَنْ اشْكُرْ لِي وَوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾؛^۲ مرا و پدر و مادر خویش را شکر گزار باش، بازگشت همه شما به سوی من است.

در ضرورت سپاسگزاری از مخلوقات امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عز و جل؛ حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر کس که از

مخلوق سپاس نکند خداوند عز و جل را شکر نکرده است.^۳

شیخ انصاری و سپاس از مادر:

معروف است که وقتی مادر مرحوم شیخ مرتضی انصاری رحمته الله یکی از مفاخر جهان تشیع، از دار دنیا رفت، مرحوم شیخ به بالین مادر زانو زد و گریست. یکی از شاگردان شیخ ضمن دلجویی و تسلیت عرض کرد: شما با این مقام علمی که دارید، سزاوار نیست به بالین پیرزنی این طور اشک بریزید. شیخ سر برداشت و فرمود: گویا شما هنوز به عظمت مقام مادر واقف نیستید، تربیت صحیح این مادر مرا شیخ مرتضی کرد.^۴

۸- رفتار شایسته با والدین

﴿وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾؛ ولی با آن‌ها در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن.

در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از حضرت راجع به خوش رفتاری با پدر و مادر پرسید؛ حضرت فرمود: با مادرت خوش رفتاری کن، با مادرت خوش رفتاری کن، با مادرت

۱. مری نمونه - جعفر سبحانی - ص ۱۰۳

۲. لقمان، آیه ۱۴.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲ و ۳.

۴. رمضان ماه خدا، زین العابدین احمدی، حسنعلی احمدی، ص ۶۲.

۵. لقمان، آیه ۱۵.

خوش رفتاری کن، با پدرت خوش رفتاری کن، با پدرت خوش رفتاری کن، با پدرت خوش رفتاری کن، و مادر را پیش از پدر ذکر فرموده.^۱

نتیجه

از مجموع روش‌های بیان قرآن در جایگاه پدر و مادر استفاده می‌شود که احترام به پدر و مادر برای فرزندان ضرورت دارد. و ذکر تعدد روش‌های قرآن در جایگاه پدر و مادر نشان از اهمیت و جایگاه پدر و مادر در نزد خداوند سبحان دارد، چنانچه اینکه در روایات هم از لسان معصومین به این اهمیت تصریح شده است.

۱. اصول کافی، کلینی (ره)، ج ۳، ص ۲۳۷.